

مروری بر اعتراضات و تشکلهای کارگران معدن

"ویژه نامه معدن"

حبس کردن خود در تونل معدن، راهی برای نشان دادن اعتراض

پس از خودزنی یکی از کارگران معدن طلای آقدره، این بار صد نفر کارگران معدن سنگرود به طور گروهی دست به تحصن در تونلی زدند که به دلیل وجود گاز احتمال انفجار آن بالاست. شاید این حرکت را بتوان نمادی از اقدام به خودکشی دسته جمعی دانست. انحلال معدن، حل نشدن مشکل بیمه بیکاری و بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور عدم دریافت حقوق به مدت ۸ ماه و... سبب شد که کارگران معدن زغال سنگ سنگرود (البرز غربی) این بار برای تحصن یکی از تونل های معدن را انتخاب کنند.

کارگران خسته از این همه بی توجهی می گویند به دلیل عملی نشدن وعده های داده شده، می خواهند خود را در معدن حبس کنند.

این کارگران که سال ها کار سخت در معدن را تحمل کرده اند، اکنون به دلیل فاصله ای که در سال های گذشته در کار معدن افتاد و کارگران معدن سنگرود بدون تحت پوشش قرار گرفتن بیمه بیکاری، بیکار شدند، حتی نمی توانند بازنشسته شود.

هر چند این اعتراض با مداخله ی ماموران انتظامی به طور موقت خاتمه یافت اما مساله ی اصلی کارگران که تامین هزینه های زندگی شان است بدون پاسخ هم چنان باقی است. سود آوری معدن برای صاحبان آن؟! تنها دلیل تعطیلی یا آغاز به کار یک معدن یا واحد تولیدی است. اینکه چه بر سر کارگران می آید نه برای صاحبان معادن مهم است و نه مسوولان؟ تنها پیگیری و اقدامات دسته جمعی و متشکل کارگران می تواند به آنان کمک کند که به خواسته هایشان دست یابند.

مروری بر اعتراضات و تشکلهای کارگران معدن

"ویژه نامه معدن"

کانون مدافعان حقوق کارگر - از سال ۱۳۰۰ به بعد در دو دوره ی زمانی، فعالیت های کارگری گسترش بی سابقه ای یافت. دوره ی اول سال های دهه ۲۰ تا سال ۳۲ و دیگری ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰. در این دو دوره تشکلهای بسیاری شکل گرفتند و اعتصابات گسترده ی کارگری در بخش های مختلف رخ می داد. اعتراضات قبل از بهمن ۵۷ در سرنگونی حکومت شاهنشاهی تاثیر بسیاری داشت. میزان گزارش ها و اخباری که از این اعتراضات کارگری و تشکلهای آنها در مطبوعات منتشر شده به دلیل آزادی های نسبی مطبوعات نیز بی سابقه بود.

هر دو دوره، پس از سرکوب شدید، دستگیری، زندان، اعدام فعالان کارگری این اعتراضات افت شدیدی کردند. پس از کودتای ۲۸ مرداد موجی از دستگیری ها و زندان و تبعید به راه افتاد و در دهه‌ی شصت به گفته‌ای فقط بیش از ۵۰۰ کارگر فعال اعدام شدند. اما جنبش کارگری و کارگران مبارز و آگاه به جان آمده از استثمار و ستم، سر سکون و توقف نمی‌توانند داشته باشند. حرص و طمع سرمایه‌داری، آن چنان است که به هر ترتیب که شده می‌خواهد سودش را از قبل استثمار شدید کارگران تامین کند و کارگران نیز از این همه ستم و استثمار به جان آمده و بار دیگر پس از مدتی کوتاه حرکات اعتراضی کارگران از سر گرفته می‌شود. از جمله می‌توان به اعتراضاتی که در فاصله‌ی زمانی ۳۲ تا ۵۷ رخ داد، اشاره کرد که گاهی بسیار هم گسترده نیز بوده‌اند، مانند: اعتصابات نفت در سال‌های ۱۳۳۹-۱۳۳۴، اعتصاب ۱۲ هزار راننده تاکسی در فروردین ۱۳۳۷ و ۴۳، اعتصاب ۳۰ هزار کارگر کوره‌پز خانه‌های تهران در خرداد ۱۳۳۸ و ۴۱، اعتصابات کارگران نساجی در همان سال، اعتصابات نفت و صنایع نساجی و نانوائی‌ها در سال ۱۳۴۰، تظاهرات ۳ هزار کارگر بیکار در بندر ماه شهر، و همین‌طور اعتصابات کارگری سال‌های ۵۶ و ۵۷ و اعتراضاتی که در دهه‌ی هفتاد و بعد از آن مرتباً رخ داده است.

در این میان اعتصاب کارگران معدن کمتر در مطبوعات منعکس شده است. از تشکل‌های کارگران معادن در این سال‌ها نیز خبر چندانی نیست. از جمله اعتصابات معدنی که به آن اشاره شده دو اعتصابی است که یکی در سال ۱۳۴۴ و دیگری در معادن ذغال سنگ در سال ۱۳۵۵ رخ داده که اطلاعات بیشتری از این دو اعتصاب پیدا نکرده‌ایم. شاید بتوان از میزان کم خبرهای منتشره نتیجه گرفت که حرکت‌های جمعی و تشکل‌های کارگری در معادن ایران به ندرت به چشم می‌خورد و سابقه‌ی مبارزاتی این کارگران کم است؟! و هر جا که خبری منتشر شده، حتماً سندیکا یا تشکلی در میان این کارگران شکل گرفته بوده است. زیرا اولین اقدامات یک تشکل کارگری طبیعتاً اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت کار و زندگی کارگران است.

علت این امر را می‌توان به این شکل تبیین کرد: اکثر معادن در مناطق دورافتاده قرار دارند که امکان برقراری ارتباط با سایر محیط‌های کارگری را دشوار می‌کند، بافت روستایی کارگران معدن که اکثراً جوان هستند و همین‌طور شرایط بسیار دشوار کار، سبب شده که آگاهی‌های طبقاتی این کارگران کمتر از سایر اقشار کارگران مانند کارگران نفت و ریسندگی و... باشد. سختی کار در معدن و بیماری‌های ناشی از آن امکان تداوم و استمرار کار را برای کارگران کم می‌کند. عدم انتقال تجربیات اعتراضی کارگران و تشکل‌های آنان نیز عامل دیگری است برای این که رشد این آگاهی‌های طبقاتی سرعت کافی نداشته باشد.

در زیر مروری کوتاه خواهیم داشت به برخی از این اعتراضات، دلایل آن و تشکل‌های کارگری که در معادن تشکیل شده است.

در سال‌های ۱۳۱۰ به بعد در پی ایجاد راه آهن سراسری تهران شمال، رگه‌های زغال سنگ در منطقه‌ی زیراب کشف شد. به دنبال آن معدن زیراب در سال ۱۳۱۲ با ۱۲۰۰ کارگر تاسیس شد. در گزارشی که در سال ۱۳۲۴ در روزنامه‌های آن زمان منتشر شده این گونه آمده است:

"... و مدت ۴ ماه است که به کارگران زیراب یک شاهی نپرداخته‌اند. آیا کارگران باید از گرسنگی بمیرند. کارگران این معدن با عائله‌ی خود ۴۰۰۰ نفرند. اتحادیه‌ی کنسرو، نساجی، گونی‌بافی، شالی کوبی و راه آهن اطلاعیه‌ای مشترک برای همدردی و کمک به این کارگران صادر کردند و تهدید کردند در صورتی که تا ۲۹ آبان ۲۴ حقوق آنان پرداخت نشود، دست به اقدامات جدی خواهند زد. همین‌طور اطلاعیه‌ای از کمیته‌ی محلی و شورای محلی اتحادیه کارگران شیرگاه و کمیته محلی ساری نیز در این رابطه صادر شد. با ادامه وضع اسفناک کارگران معدن در روز ۲۷ خرداد کمیته محلی و شورای شهر تصمیم گرفتند در صورتی که به تقاضاهای آنان ترتیب اثر داده نشود از حمل ذغال جلوگیری کنند. خواسته‌های کارگران عبارت بود از:

پرداخت حقوق معوقه، تهیه حمام برای کارگران، ارسال دارو برای جلوگیری از مالاریا، تاسیس کلاس اکابر، تعمیر و تهیه ساختمان برای سکناى کارگران، جلوگیری از اجحاف و تعدی پیشه‌وران معدن.

این اطلاعیه به امضای شورای متحده و اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان معدن زیرآب است. (۱)

این از اولین خبرهایی است که در مورد اعتراضات کارگری و تشکل‌های کارگران معدن می‌توان در مطبوعات یافت.

پس از چند سال، در سال ۳۲، در پی کشته شدن کارگران معدن گاجره، اعتراضاتی در این رابطه صورت گرفت. در مراسم دفن کارگران کشته شده، کارگران معدن زیرآب نیز شرکت کرده و با آنان همدردی نموده‌اند. این دو معدن از جمله معدنی بودند که سندیکای کارگران در آنها شکل گرفته بود. هر چند خبرهای بیشتری از این سندیکا و اعتراضات کارگری آنان در دست نیست. اما انتشار همین چند خبر هم نشان از تشکل‌هایی می‌دهد که در مورد مسایل کارگران معدن اطلاع‌رسانی می‌کرده است.

پس از حادثه‌ی معدن گاجره، برادر یکی از کارگران مقتول در سخنانی چنین گفته بود: "برادر من تازه ۱۸ سالش شده بود. گفته بود من کارگر تونلی نیستم. مرا آنجا نفرستید. اما او را به زور فرستادند و کشته شد. خب چه کسی به این قتل عمد، به این خون ناحق ریخته شده می‌رسد. فردا ممکن است این بلا سر شما هم بیاید. اینها با خون شما سرمایه‌دار می‌شوند ولی شما در این وضع هستید به خانواده‌ی آنها که سه سال پیش کشته شدند چه کسی رسیدگی کرد؟ همه شما مرا می‌شناسید. کارگر همین جا بودم، سل گرفتم. دو سال در شاه آباد خوابیدم. دیناری به من کمک نکردند. نباید شما با چند ریال پول و اضافه گول بخورید. تنها راهی که برای شماست اتحاد و تقویت سندیکای خودتان است."

ظاهراً سندیکای معدن گاجره که عمر آن دو سال بوده است در زمینه‌هایی توانسته بود فشارهایی به کارفرما آورده تا مثلاً کارگران منتظر خدمت را سرکار برگردانده یا کار سبک‌تری به کارگران بیمار بدهند:

"باقر علیمزادی ۴ سال است کار می‌کند و روزی ۳۰ ریال می‌گیرد. در سال ۱۳۲۹ در همین گاجره زیر سنگ‌ها ماند و کتف و پایش شکست، ۵ ماه در بیمارستان بانک صنعتی خوابید. پزشکان تایید کردند که او نباید دیگر در تونل کار کند و کار سبک برایش ضرری ندارد. اما پس از دو سال کار مجدداً در آذر ماه سال گذشته رییس معدن تحمیل کرد که باید باز هم در تونل کار کند. حتا حاضر شدند او را منتظر خدمت کنند. ۴ ماه به همین دلیل سرگردان بود و عاقبت با زور کارگران و سندیکای کارگری دوباره مجبور شدند به او کار سبک بدهند."

در انتهای گزارش کارگران اعتراضی در معدن گاجره خواسته‌های خود را به این ترتیب بیان کرده‌اند:

مکانیزه کردن معدن و دادن وسایل فنی کامل، تامین زندگی بازماندگان کارگرانی که جان خود را از دست داده‌اند، رسیدگی کامل به علت این حوادث و مجازت شدید مسیبین امر، پذیرش نماینده کارگران از طرف اداره‌ی کار، شناختن سندیکای کارگران که دو سال است تشکیل شده و فعالیت می‌کنند، بهبود وضع بیمه و تامین بهداشتی فراهم ساختن زندگی برای خانواده کارگرانی که

چندی قبل فوت کرده‌اند ، ساخت خانه‌های دولتی جهت مسکن کارگران ، دادن اضافه دستمزد واقعی که با میزان کار بستگی داشته باشد. (۲)

در گزارشی که دانشجویان پیشگام کرج از معدن سنگرود لوشان در سال ۵۸ تهیه کرده بودند به اعتصاب سال ۱۳۵۲ و مهر ۵۷ کارگران این معدن اشاره شده است. دو اعتصابی که اولی با شکست و دومی با پیروزی کارگران خاتمه یافته است. اولین اعتصاب کارگران این معدن در اواخر سال ۵۲ رخ داد. علت اعتصاب این بود که حقوق اضافه شده در مرکز را به این کارگران نمی‌پرداختند. روز اول اعتصاب، کارگران با مهندسیین و مدیرعامل زد و خورد کردند به دنبال آن ۵۰ سرباز و دو افسر برای سرکوب کارگران به معدن فرستاده شد. این اعتصاب دو روز به طول انجامید و با دستگیری و اخراج شش تن از نمایندگان و زندانی کردن دو نفر از فعالین و قول رسیدگی به خواست های اعتصاب پایان یافت.

در مهر ۵۷ بار دیگر این کارگران اعتصاب کردند. کارگران خواستار اخراج ۸ نفر از مهندسیین و رسیدگی به خواست‌های صنفی خود بودند. اعتصاب ۲۱ روز به طول انجامید و سرانجام کارگران توانستند به خواسته‌های خود برسند. شرایط و جو حاکم در مهر سال ۵۷ در پیروزی این اعتصاب نقش مهمی داشت. در مورد تشکیل سندیکای کارگران در این معدن در ادامه گزارش چنین آمده است:

"در اعتراضات سیاسی سال ۵۷ کارگران معدن به دلیل دور افتاده بودن محل کارشان، در متن حوادث نبودند... و به این دلیل آگاهی‌های سیاسی کارگران بالا نبود... پس از انقلاب اداره‌ی معدن سنگرود به دست کمیته‌ها افتاد... در هفته‌های اول پس از انقلاب، کارگران به طور پراکنده شورای کارگری را مطرح کردند. اما ایجاد شورا زمینه‌ی مناسبی پیدا نکرد و به دنبال آن تشکیل سندیکا در دستور کار قرار گرفت. کمیته برای ایجاد تفرقه میان کارگران با زدن برچسب‌های به کارگران آگاه سعی کرد که عموم کارگران را از آنها دور نگه دارد. اما کارگران بر خواست خود مبنی بر تشکیل سندیکا مصر بودند. به دنبال آن کمیته پیشنهاد کرد که انتخابات سندیکا باید تحت نظر و با مشارکت کمیته باشد ... اساسنامه‌ی از وزارت کار گرفته شد که همان اساسنامه‌ی رستاخیزی بود..." در تاریخ یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۵۸ مجمع عمومی کارگران در مسجد معدن

یک نمونه از نتیجه اتحاد کارگران معدن شمشک

۴ ماه بود که به کارگران معدن
شمشک حقوق نمی پرداختند روز
۲۶ اردیبهشت کارگران قطعنامه‌ای
صادر کردند تا حقوقشان را نپردازند
اعتصاب خواهند کرد و کارفرما
حقوق آنان را پرداخت کرد. کارگران
معدن تصمیم دارند سندیکای
خودشان را تشکیل دهند.

نوید آزادی ۸ خرداد ۳۲

تشکیل می‌شود. انتخابات کاملاً قلبی بود به طوری که کارگران به این مساله اعتراض کردند و خواستار باطل کردن انتخابات شدند. کمیته این درخواست را رد کرد. در پایان اکثر کارگران به عنوان اعتراض محل را ترک کردند. به این ترتیب سندیکایی فرمایشی بوجود آمد که هیچ یک از خواست‌های کارگران را نتوانست به نتیجه برساند. (۳)

همانند سایر کارگران، اعتراضات کارگران معدن به شکل‌های مختلف انجام می‌شود. از ابتدایی‌ترین شیوه که نامه‌نگاری به مسوولان و اطلاع‌رسانی است، شروع می‌شود تا اعتصاب و تجمع در محل معدن یا مقابل نهادهای دولتی مانند فرمانداری و... گرفته تا بستن جاده و تحصن در خیابان و مقابل مجلس و...

از نمونه‌های نامه‌نگاری کارگران می‌توان به نامه‌ی کارگران اخراجی معدن طلای آقدرد تکیاب اشاره کرد. در بخشی از این رنجامه کارگران چنین نوشته‌اند:

"آیا مسئولین می‌دانند زمین چرکین است یعنی چه؟ تخریب رگه‌های معدنی، نابودی اکوسیستم طبیعت، برداشت غیر اصولی و بی‌رویه از نواحی پر عیار معدن طلا یعنی چه؟ یعنی اینکه تولید و سود بیست سال را در هفت سال خلاصه کردن با همان استثمار نیروی کار ارزان منطقه. شب فرا می‌رسد خبری از شام نیست آیا چون زبان ما کارگران بسته است و فریادمان به جایی نمی‌رسد باید آنها را فراموش کرد یا روی شمش‌های طلایش نوشته‌رسیدگی به وضعیت ما کارگران ممنوع!"

و در ادامه با اشاره به این که این کارخانه بعد از ۸ سال تولید بی‌وقفه روزانه تا سقف ۴۰ کیلوگرم طلای ۲۴عیار و مقادیر قابل توجهی جیوه تا سقف ۳۰۰ کیلوگرم و سایر فلزات با ارزش به ناگاه ۲۰۰ نفر از پرسنل خود را اخراج کرده... و سپس در مورد آلودگی‌های زیست محیطی و اتلاف احشام و دام‌های منطقه تخریب طبیعت، آلودگی و از بین رفتن کامل آب شرب روستای شیرمرد، مرگ و نابودی تدریجی باغات سیب روستاهای مجاور اشاره کرده‌اند و نامه‌ی خود را این عبارت به پایان برده‌اند:

"زندگی را به بیداری بگذرانیم که سال‌ها به اجبار خواهیم خفت" (۴)

تجمع‌های اعتراضی از دیگر شیوهایی است که کارگران به جان آمده‌ی معدن استفاده می‌کنند. این تجمع‌ها در محل‌های کار، مقابل نهادهای دولتی مسوول، وزارت کار، مجلس و... برگزار می‌شود. تجمعاتی که در دو سال گذشته خبرهای آن‌ها در رسانه‌ها منتشر شده است. از جمله می‌توان به تجمع کارگران معدن سنگرود اشاره کرد که بارها این اقدام را انجام داده‌اند: ۷ مهر ۹۲ کارگران زغال‌سنگ سنگرود در تهران دومین تجمع خود را برگزار کردند. خواست ۲۸۰ کارگر معترض علاوه بر توقف انحلال معدن، خواستار پرداخت منظم دستمزد و حقوق سه ماهه تیر، مرداد و شهریور سال جاری هستند این اعتراض در پی بارها اعتراض در محل کار و نهادهای دولتی در منطقه و بی‌نتیجه بودن آن صورت گرفته است.

اعتراضات کارگری در معادن دلایل متفاوتی دارد. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کاهش و تعویق دستمزدها: اعتراض کارگران زغال‌سنگ معدنچو در زرد کرمان، کارگران بافق، طلای آقدرد و...

کاهش مزایا، خدمات بیمه درمانی: کارگران معادن زغال‌سنگ طبس در ۲۸ اردیبهشت سال پیش دست به اعتصاب گسترده و فراگیر زدند. این اعتصاب و تجمع یک روزه که در مقابل مجتمع اداری شرکت زغال‌سنگ پروده طبس در داخل شهر و همچنین هم‌زمان در سایت معدن یک و معدن مرکزی و کارخانه زغال‌شویی آن شرکت انجام شد که سرانجام با دخالت مامورین نیروی انتظامی و مسوولین فرمانداری طبس و حراست شرکت موقتا به پایان رسید.

شیوه اجرای تعدیل نیرو و اخراج: کارگران شرکت زغال سنگ معدن جو (زرند کرمان) به دلیل اعتراض به شیوهی اجرای تعدیل نیرو اعتراض کرده‌اند. این شرکت به دلیل آنچه «عدم گردش مالی ناشی از بی‌پولی شرکت‌های معدنی» عنوان شده، از ابتدای سال جاری تا آبان ماه حدود ۳۰ نفر از کارگران را پس از خاتمه قرارداد اخراج کرده است. (۵)

تامین امنیت شغلی و عدم اخراج، تامین زیرساخت‌ها در منطقه شامل جاده و گاز و بهره‌برداری از معدن بر مبنای پروانه تعریف شده، از دیگر مطالبات کارگران معادن است. (۶)

خصوصی‌سازی: عدم واگذاری به بخش خصوصی از خواسته‌هایی است که در سال‌های اخیر به خواسته‌های کارگران افزوده شده است. "نماینده کارگران معادن زغال سنگ البرز در این مورد گفته است که کارگران معادن زغال سنگ طرزه در شهرستان شاهرود مخالف خصوصی‌سازی این واحد معدنی و واگذاری آن به شرکت ذوب آهن اصفهان هستند افزود: از مسئولان کشوری و استانی می‌خواهیم مانع خصوصی‌سازی این معدن و فروش ۴۲ هکتار از املاک آن در مرکز شهر شاهرود به شهرداری شوند. (۷)

اعتراض کارگران بافق نیز به خصوصی‌سازی‌ها یکی از طولانی‌ترین اعتصابات سال‌های اخیر را به دنبال داشت. اعتراضات اخیر کارگران بافق و سایر معادن علیه خصوصی‌سازی‌ها نشان می‌دهد که آگاهی طبقاتی کارگران معدن به حدی بالا رفته است که خواسته‌های این کارگران از خواسته‌های صنفی‌ای در حد افزایش دستمزد و حقوق معوقه فراتر رفته و نوک حمله‌ی آن خصوصی‌سازی است که شاید بتوان آن را نماد سرمایه‌داری متاخر دانست. اعتصابی که بیش از ۵۰ روز به طور انجمید و ۵۰۰۰ کارگر و خانواده‌هایشان در آن شرکت کردند. و با موفقیت کارگران خاتمه یافت.

نحوه‌ی برخورد با اعتراضات کارگران معادن

بسیار اتفاق افتاده که نمایندگان کارگران و یا کارگران فعال پس از اعتراضات اخراج یا مجبور به استعفا و ترک کار شده و یا توسط نیروی انتظامی به دلایل مختلف یا بازداشت شده‌اند. در این گونه موقعیت‌ها اولین اقدامی که کارگران معترض و اعتصابی انجام می‌دهند اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت آنان است. در گام بعدی خواستار آزادی بی‌قید و شرط کارگر زندانی و یا بازگشت به کار کارگران اخراجی می‌شوند و این خواسته در صدر خواسته‌های کارگران اعتصابی قرار می‌گیرد. معمولاً در این گونه موارد خانواده‌های کارگران نیز درگیر اعتصاب می‌شوند. کارگران معدن بافق با اعتصاب ۵۰ روزه خود ادامه داده تا ۹ کارگر زندانی آزاد شدند.

۸۰۰ کارگران معدن چادرملو که در استخدام شرکت پیمانکاری آسفالت توس هستند از ششم آذرماه سال جاری به نحوه محاسبه حق بیمه خود و نیز اخراج پیش از اتمام قرارداد آقای بهرام حسینی‌نژاد به صورت محدود دست به اقدامات اعتراضی صنفی زده بودند. ۲۸ کارگر این معدن با شکایت کارفرما به اتهام اخلال در نظم عمومی بازداشت شدند و در پی ادامه‌ی اعتراضات و احتمال گسترش آن کارگران زندانی آزاد شده و برای پیگیری این پرونده وکیل حقوقی اختیار کردند. (۸)

نماینده کارگران چشمه پودنه از سوی کارفرما تحت فشار قرار گرفته به حدی که مجبور به ترک کار شده است. "ترک کار اجباری این فعال کارگری پس از آن صورت گرفت که این فعال کارگری در رابطه با حادثه‌ای که در روز یکم اسفند ماه منجر به کشته

شدن سه نفر از کارگران این معدن به نام‌های محمدرضا صادقی، حسین محمدی و حسین اسلامی شد، از به روز نبودن استانداردهای ایمنی در این معدن خبر داده بود. "این کارگر معدن چشمه پودنه با داشتن همسر و سه فرزند، بیکار و فاقد هرگونه منبع درآمد و یا پوشش بیمه ای است. (۹) خبری از نتیجه‌ی این پیگیری‌ها در رسانه‌ها منتشر نشده است.

در همه‌ی گزارشاتی که از اعتراضات کارگری در معدن وجود دارد نقش نیروهای پلیس در سرکوب کارگران برجسته است. حتا وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، کار نیروی انتظامی و پلیس کمک رسانی نیست، بلکه پیشگیری و احیانا مقابله با اعتراضاتی است که کارفرمایان حدس می‌زنند ممکن است بعد از این رویدادهای دردناک رخ دهد. در سال ۱۳۳۲ نمایندگان سندیکای کارگران گاجره چنین می‌گویند: "بعد از ۲۴ ساعت هنوز هیچ آمبولانسی نیامده است. تنها یک وانت برای انتقال بیماران آمده است. نماینده‌ی سندیکا از اقدامات سندیکا و اعتراضات مکرر کارگران در مورد تکمیل وسایل استحضاطی معدن گفت و تذکر داد که اولیای مربوطه هیچ ترتیب اثری نداده‌اند. کارگران توضیح دادند که بعد از حادثه تعدادی ژاندارم آمدند و مانع ورود ما به تونل شدند اگر می‌گذاشتند شاید تعدادی از کارگران را می‌توانستیم زنده بیرون بیاوریم. (۱۰)

در یکی از آخرین این اعتراضات، کارگران اخراجی معدن طلای زره شوران تکاب روز دوشنبه ۱۸ فروردین ۹۳ در اعتراض به تصمیم کارفرما برای اخراج کارگران، راه اصلی این معدن را مسدود کردند. معترضان خواستار بازگشت به کار بودند. مأموران نیروی انتظامی به تحصن کارگران معترض حمله کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. اما هنگامی که کارگران به طور دسته جمعی دست به اقدام می‌زنند، حتا از نیروی انتظامی هم کاری ساخته نخواهد بود و همراهی و همگامی و پیگیری آنان، نیروهای انتظامی را محبور می‌کند محل را ترک کنند. در اعتراض به بازداشت کارگران معدن بافق، و دست از کار کشیدن کارگران ماموران یگان ویژه در این معدن مستقر شدند. خروج این ماموران نیز به خواسته‌های کارگران اضافه شد و یگان ویژه روز ۳۰ مرداد از معدن خارج شد...

تمام این موارد نشان می‌دهد هر جا که کارگران با هم متحد شده و نمایندگان واقعی‌شان را انتخاب کرده‌اند حتما به بخشی از خواسته‌های خود رسیده‌اند. زیرا انتخاب نمایندگان واقعی دارای دو خاصیت است. یکی آنکه نمایندگان واقعی حاضر به سازش و تسلیم به کارفرما نیستند. دوم آنکه کارگران با حمایت از نمایندگان خودشان، اتحاد و همبستگی خود را بیشتر نشان می‌دهند. در نتیجه در اکثر قریب به اتفاق این موارد کارگران به پیروزی‌های درخشانی دست یافته‌اند.

اعتصاب کارگران معدن کوشک بافق

یکی از آخرین اعتراضات کارگران معادن در ایران در معدن سرب و روی کوشک رخ داده است. معدن کوشک بافق یک معدن با مالکیت خصوصی است که توسط شرکت معدن بافق (سهامی عام) اداره می‌شود و با بیش از ۳۵۰ کارگر در در فاصله ۱۶۵ کیلومتری شرق یزد و ۴۵ کیلومتری شمال شرق شهرستان بافق واقع شده است. بیش از ۲۶۰ نفر از کارگران معدن کوشک بافق شامل کارخانه و کارگران عمق زمین و معدن روباز از ۱۵ آذر ۹۳ دست از کار کشیدند. این کارگران نزدیک به ۹۰ روز است که حقوق و مزایا طلبکارند. این اعتصاب بعد از ۵ روز با قول رسیدگی به مطالبات کارگران موقتا خاتمه یافت.

کارگران معدن کوشک بافق در پنجمین روز اعتصابشان در نامه‌هایی به وزیر صنعت، معدن و تجارت و همچنین وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، خواهان رسیدگی سریع به مطالباتشان شدند. در بخش‌هایی از این نامه آمده است: کارگران خواسته‌های قانونی زیر را از کارفرما (شرکت معادن بافق سهامی عام) دارند که متأسفانه در طی سالیان مدید مورد توجه قرار نگرفته است: پرداخت به موقع حقوق و مزایای ماهانه که هم اکنون نیز به تعویق افتاده است، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، رسیدگی کافی به سلامت کارگران و انجام معاینات و آزمایش‌های پزشکی لازم، توجه به مسائل رفاهی و رعایت نکات ایمنی و بهداشتی در محل معدن، پرداخت‌های غیرنقدی و پاداش‌ها و انجام امور ورزشی و مراسم‌های معمول، پرداخت حق سختی کار و حق پله و تونل، حق جذب سرب و هزینه‌های غذایی، پرداخت هزینه‌های معمول رفت و آمد به معدن، امنیت شغلی و افزایش مدت قراردادهای منعقد، مناسب‌سازی اجرای شیفت‌های کاری برای واحدهای کوچک و رعایت تعطیلات رسمی و مذهبی، عدم استفاده از دستگاه‌های فرسوده در معدن و همچنین استاندارد سازی سیستم‌های برق و آب و تهویه و نامناسب بودن امکانات خانه بهداشت، پرداخت اضافه کاری طبق قانون و...

این کارگران از امنیت شغلی برخوردار نیستند و بیشتر کارگران این معدن قراردادی هستند و طرح طبقه بندی مشاغل در معدن اجرا نشده است. قراردادی بودن کارگران سبب شده که کارفرما از اجرای تعهدات و مسوولیت های خود در قبال کارگران شانه خالی کند. کارگران این معدن در معرض انواع آلودگی‌ها از جمله آلودگی با سرب هستند و آزمایش تست سرب خون که باید سالانه انجام شود، چند سالی است که اجرا نمی‌شود. کارگران معدن کوشک بافق که از کیفیت تجهیزات ایمنی معدن ناراضی‌اند.

لازم به ذکر است که در سال گذشته دو کارگر این معدن کشته شده‌اند و دیه این کارگران هنوز به خانواده‌هایشان پرداخت نشده است. رسیدگی به وضع خانواده‌های این کارگران نیز یکی دیگر از خواسته های این کارگران است. این کارگران با امضای طوماری برای پیگیری مطالبات صنفی‌شان، از طریق یک وکیل دادگستری نیز اقدام کرده‌اند.

۱- صفا، شماره‌های ۲۵، ۵۲، ۵۶ سال ۲۴-۱۳۲۵ ه.ش. در معدن زیراب کارگران چگونه زندگی می‌کنند / ۲- روزنامه سرود فردا خرداد ۱۳۳۲ / ۳- کتاب دوشنبه شماره ۳۰ و ۳۱

۴- رنجامه کارگران اخراجی بزرگترین کارخانه طلای کشور، تکاب افشار - اردیبهشت ۱۳۹۰

۵- (ششم آبان ماه ۹۳ / ایلنا)

۶- <http://www.dw.de/%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA%DB%8C-%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86-%D8%A8%D8%A7%D9%81%D9%82-%D8%A2%D8%B2%D8%A7%D8%AF-%D9%85%DB%8C%D8%B4%D9%88%D9%86%D8%AF/a-17895209>

۷- خبرگزاری ایلنا . ۶مهر ۹۳ - <http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=208815>

۸- 1393/06/17 : دبیر انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو آزاد شد ایرنا

۹- (ایلنا، 17-03-1393) ۱۰- روزنامه سرود فردا خرداد ۱۳۳۲